

## فرهنگ برادری و هم زیستی

دکتر عباس قنبری عدیوی<sup>۱</sup>

«فرهنگ» از مقوله های بسیار پیچیده و مهمی است که سخن گفتن در خصوص آن، با تأمل و تفکر دقیقی نیازمند است. واژه ی «فرهنگ» مثل برخی واژه های دیگر چون: ادب، اخلاق، دین، هویت و ... حساس، توسعه پذیر و در عین حال «سهل ممتنع» است. به نظرم هیچ یک از واژه های علوم اجتماعی، مردم شناسی، فرهنگ عامه و انسان شناسی، همچون «فرهنگ» تعریف های مختلف و متنوعی ندارد. در ایران ما از گذشته های دور تا به امروز فرهنگ یکی از دغدغه های رهبران سیاسی- اجتماعی و مذهبی، مدیران و دانشمندان حوزه های مختلف به ویژه «علوم انسانی» پرداختن به این مقوله و حل مسایل مرتبط با آن در حوزه ی زندگی و سبک مدیریتی روز است. در آغاز سال نو خورشیدی، رهبر معظم انقلاب اسلامی، امسال را سال فرهنگ و اقتصاد با عزم ملی و مدیریت جهادی نامیدند و از آن روز هر کسی به هر اندازه ای از توان و دانش خود به این مفهوم پرداخت. تقدم فرهنگ بر اقتصاد در کلام و اندیشه ی ایشان و تشبیه آن به هوایی که مصرف می کنیم؛ راه را برای این گشوده است که در نمونه ی استانی و بومی خود، ما نیز به چند نکته ی مهم اشاره ای بنماییم. در تعریف واژه ی «فرهنگ» گفته اند: مجموعه ی منسجمی از ابزار، وسایل و اجناس مصرفی، منشورها و قوانین اساسی برای گروه های گوناگون اجتماعی، اندیشه ها، پیشه ها، باورها و آداب و رسوم یک ملت (مردم یک کشور) که در تمام ارکان زندگی مردم تاثیرگذار است.

آیین ها، عقاید و باورها، رفتارهای معنوی و میراث هر کشور در این مقوله قرار دارد. به اختصار می توان گفت که فرهنگ به تمام ابعاد مادی و غیر مادی (ملموس و غیر ملموس) زندگی مربوط می شود. فرهنگ در حرکت، اثرگذار و اثر پذیر، پویا، قابل انتقال، تطبیق پذیر و مشخصه ی گروهی است. فرهنگ آشکار یا پنهان و به نوعی چون هوا، آب و یا هر چیزی به همه تعلق دارد.

فرهنگ به سبب ویژگی هایی که دارد پایگاه اجتماعی افراد و اقوام، ملت ها و کشورها را معین می کند. فرهنگ بومی و خرد و در شکل کلی خود جهانی و کلان است. این پیچیدگی ها نیازمند ساعت ها و صفحه هایی بسیار برای توضیح و تشریح است؛ اما آن چه برای همگان باارزش است که همه فرهنگ خود را دوست دارند و برای انتقال آن تلاش می کنند.

فرهنگ کارکردها و نقش های مهمی در اجتماع دارد که سبب اتحاد (انسجام) بخشی، معنا دهی، هویت بخشی، تداوم تاریخی، تضمین بقای اشخاص و افراد می گردد. قالب شخصیت افراد در فرهنگ شکل می گیرد

---

<sup>۱</sup> - دکتری زبان و ادبیات فارسی؛ سرپرست دانشگاه فرهنگیان (پردیس بحرالعلوم)

و موجب سازگاری او با محیط می گردد. فرهنگ یک مقوله ی توسعه ای است که موجب پایداری و بقای ملت ها خواهد شد.

با این مقدمه ی بسیار فشرده به سراغ اصل مطلب و مساله ی مورد توجه مولف، می رویم. در ایران ما، اقوام، طوایف، گویش ها، لهجه ها، زبان ها و خرده فرهنگ ها و آداب مختلفی وجود دارد. آن چه این جمعیت بزرگ را با تنوع محیطی، مذهبی، اجتماعی و طبقاتی به هم متصل می کند، چیست؟

شاید هر کسی به این مساله پاسخی بدهد که با دیگری فرق داشته باشد. بی گمان همچون تنوع تعریفی که از فرهنگ داریم، برداشت ها نیز مختلف اند. عوامل این پیوستگی می تواند یک، دو یا چند و شاید همه ی موارد ذیل باشد: دین، زبان، اخلاق، تاریخ، دولت (نظام حکومتی)، اراده ی جمعی، اشتراک های هویتی و....

در استان ها نیز همین مسایل می تواند سبب تقویت و تعمیق پیوستگی ها گردد. در منطقه ای که به نام «چهارمحال و بختیاری» خوانده می شود و کمی بیشتر از یک درصد از گستره ی جغرافیایی ایران عزیز را در بر می گیرد؛ همین مساله حاکم است. سال ها به استناد تاریخ کتبی و شفاهی، مردم این خطه در کمال همبستگی، تعهد، همیاری و هم فکری با هم زیسته اند و راه را بر بیگانگان بسته اند تا در کنار خرده فرهنگ ها، گویش ها و لهجه های مختلف در عین وحدت، همگرایی و هم سویی روزگار گذرانده اند. وجود اقوام و طوایف مختلف با تنوع فرهنگی در شهرستان های نه گانه ی استان، از انتخاب آگاهانه و خردمندانه ی آیین های برادری و باهم بودن در طول تاریخ سیاسی - اجتماعی این مردم نشان دارد. ارتباط های اجتماعی، اقتصادی، حمیت ها و حمایت های تاریخی در خیزش ها و نهضت های سده های اخیر، از این روند مانا و عمیق حکایت دارد. راه استواری این پیوندها و جلوگیری از نفوذ اندیشه های تفرقه افکنانه و آسیب زا، توجه به فرهنگ پایدار و اثربخش تاریخی مردم شریف چهارمحال و بختیاری دارد. حضور خردمندانه و متحد این مردم در قیام تاریخی مشروطه خواهی، انقلاب شکوهمند اسلامی، دوران طلایی و غرور آفرین دفاع مقدس و صحنه های فخر آفرین بسیاری که هر روز شاهد آن هستیم؛ زنگ وحدت و همدلی را برای ما به صدا در می آورد و مانع فرصت طلبانی می شود که به بهانه های واهی و اهداف مقطعی به دنبال سوء استفاده از عواطف و احساسات مردمی هستند. باید به جای پرداختن به احساسات زودگذر به عقلانیت و خرد جمعی همراه با دور اندیشی و بردباری توجه کرد و چون گذشته بر مبنای منطق در گفتار و خردمندی در رفتار و هم اندیشی در اعمال راه را بر آواهای زودگذر و ندهای سودجو بست. باید به دور از شعارزدگی و رفتارهای هنجارشکن سیاسی و به استناد شایستگی ها و عزم ملی در دستاورد نتایج بلند برای فرزندان برومند ایزان زمین به افکار خیرخواهانه و وحدت گرای انسانی توجه کنیم و از هیاهوهای قومی و تعصب های مخرب پرهیز کنیم. این فرهنگ انسانی را به نسل بعد منتقل کنیم و نگذاریم عده ای اندک مصالح عمومی ملت و محصول تلاش مردم شریف ما فدای خواسته های خود کنند. به

استانی توسعه یافته، شکوفا و سرشار از امنیت فرهنگی، اقتصادی و سیاسی؛ ایرانی آباد، آزاد، ملّتی سربلند و مردمی توانا و دانا بیندیشیم. ایدون باد.

شهرکرد- پاییز ۱۳۹۳